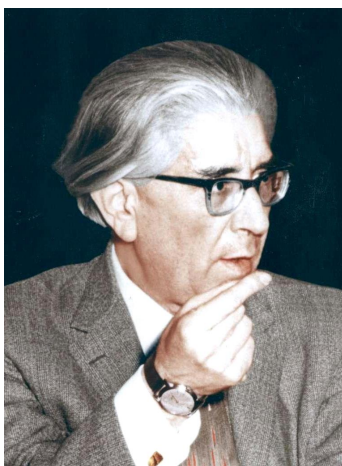


جایگاه دکتر محسن هشترودی در جامعه علمی ایران

عبدالحسین مصحفی*

پیش آمده است که کسانی از دانش‌دوستان و گرامی‌داران دانشمندان، یا کسانی از دست‌اندرکاران و نویسندگان مطبوعات علمی، از من خواسته‌اند تا درباره شخصیت و مقام علمی استاد فقید دکتر محسن هشترودی، اطلاعاتی را در دسترسشان بگذارم.



اینک که جمعی از یاران و ارادتمندان دکتر هشترودی بر آن شده‌اند تا یادبودنامه‌ای به یاد آن شادروان فراهم آورند و منتشر کنند بر من منت نهاده و خواسته‌اند تا در این کار سهمی داشته باشم.^۱ ردّ امر این بزرگ‌مردان دور از ادب است، و افزون بر آن، در سال‌های انتشار مجله ریاضی یکان از رهنمودها و حمایت‌های بی‌شائبه دکتر هشترودی برخوردار بوده‌ام و از این بابت آن شادروان بر گردن من حق ویژه دارد.

اما این واقعیت را باید پذیرفت که درباره شخصیت علمی دکتر هشترودی، شخصیتی لاف‌گرا هم‌تای خودش می‌تواند اظهار نظر کند

و گرنه، چنان که مشهور افتاده، ممکن است که جولان مگس در عرصه سیمرخ باشد. دست کم، کاری گروهی و تحقیقی همه‌جانبه باید انجام گیرد و جای بسی تأسف است که جامعه علمی ما، به ویژه ریاضی‌مداران، در این باره کوتاهی کرده‌اند. سهم من تا آن حد می‌تواند باشد که خاطره‌هایی را بازگو کنم. این خاطره‌ها هم محدود می‌شوند به دوره دانشجویی من و پس از آن به سال‌هایی که مجله یکان را منتشر می‌کردم. در ویژه‌نامه یکان که به مناسبت درگذشت دکتر هشترودی منتشر ساختم شمه‌ای از خاطره‌هایی را که به ذهنم رسیده بود بازگو کردم. در آن ویژه‌نامه نوشته‌هایی از برخی همکاران و یاران دکتر هشترودی نیز به چاپ رسید. هر چند جنبه خاطره‌ای این نوشته‌ها بیشتر است، نکته‌هایی را در بردارند که در یک کار تحقیقی

* دبیر ریاضی (۱۳۰۳-۱۳۹۱)، مؤسس و گرداننده مجله ریاضی یکان. درباره او بنگرید به میراث علمی اسلام و ایران، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۰-۱۷۴.
۱. مقاله حاضر در یادنامه دکتر هشترودی منتشر نشده است.

مى‌توانند راهگشايى‌هاى مؤثر داشته باشند.

اما چون دکتري هشترودى هيچ‌گاه از خودش نمى‌گفت و هيچ‌گاه کارهايش را به رخ نمى‌کشيد، اين خاطره‌ها نمى‌توانند به درستي عيان‌ساز شخصيت او و جلوه‌گر کارهاى علمى‌اش باشند. درباره‌ى مقام علمى دکتري هشترودى، تحقيقى فراگير بايد انجام گيرد؛ به‌ويژه آن که وي بيش از آنکه يک رياضيدان شناخته شده باشد، يک فيلسوف و انديشمند بود.

مأخذها و مرجع‌هاى تحقيق را هم بيشتر بايد در محافل علمى و فلسفى خارجى جستجو کرد. به سراغ کارهاى بزرگانى از جهان علمى و اندیشه بايد رفت که با آنان حشر و نشر و مکاتبه داشته است. بايد در بايگانى‌ها و در آرشيوهاى کنفرانس‌هاى بين‌المللى که در آن شرکت داشته است به جستجو پرداخت و سخنرانى‌ها و مقاله‌هايش را بازيفت و بررسى کرد. کتاب‌ها و رساله‌هاى را نيز که با اقتباس از رساله‌ى دکتراى او يا با الهام از گفتارها و نوشتارهايش تأليف شده‌اند، بايد به دست آورد و در ترازوى سنجش گذاشت. ياران دکتري هشترودى معترفند که او با بسيارى از انديشمندان و نامداران روزگار خويش مکاتبه مداوم داشته است. بنابرين بايد مکتوب‌هاى رد و بدل شده‌ى او يا رونوشت‌هاى آنها را به دست آورد و ديد چه بحث‌هاى در ميان آنها مطرح بوده است. در ايران نيز تقريباً همه‌ى متفکران و اهل علم، همچنين هنرمندان و اهل ادب، از هر سلکى و با هر کسوتى، با دکتري هشترودى مراد و رفت و آمد داشته‌اند، بايد ديد که داورى اينان درباره‌ى وي چيست. تعداد زيادى از شاگردان دکتري هشترودى مقام‌هاى علمى را در دانشگاه‌هاى ايران و در دانشگاه‌هاى معروف جهان به عهده دارند، نظرهاى آنان نيز بايد استفسار شود.

دکتري هشترودى از همان ابتداى برگشتنش به ايران با بيشتر مطبوعات همکارى داشته و در بسيارى از محافل و مجامع سخنرانى کرده است، مجموعه‌ى اين مقاله‌ها و سخنرانى‌ها بايد فراهم آيد و مطالعه و تجزيه و تحليل شود.

بايد تيمى با در اختيار داشتن امکانات لازم تشکيل شود و چنين تحقيق‌هاى را به انجام برساند. آنگاه با استناد به حاصل کار آن مى‌توان درباره‌ى مقام علمى دکتري هشترودى داورى کرد. هر داورى ديگرى، به‌ويژه که بر مبنای مشاهده جنبه‌ى خاصى از کارهاى دکتري هشترودى صورت گرفته باشد، دور از انصاف و بي‌پايه و اساس خواهد بود؛ مگر آن که غرضى خاص در کار باشد که «چون غرض آمد هنر پوشيده ماند».

بازگويى جزئيات خاطرات من موجب طولانى شدن نوشتار و ملال خاطر خواننده خواهد بود. به‌ويژه که احياناً تکرار آنچه باشد که در ويژه‌نامه يکان شرح داده‌ام. درباره‌ى آنچه به دوره‌ى دانشجويى‌ام مربوط مى‌شود به صورت کاملاً فشرده مى‌توانم بگويم که: دکتري هشترودى منبعى بود سرشار از انواع دانش‌ها و اندیشه‌ها که هر زمان در جهتي فوران مى‌کرد. در هر جلسه درس هر بار دريچه‌ى تازه‌اى از جهان دانش را به روى ما مى‌گشود. در شروع درس بحثى را آغاز مى‌کرد که براى ما غيرمنتظره بود و در پايان جلسه اين احساس را داشتيم که اطلاعات ما در برابر دانش گسترده‌ى او تا چه اندازه ناچيز است. گويى پايين بودن به کتاب معين و مقيد شدن در چارچوب برنامه خاص برايش پايى چوبين و بي‌تمکين به حساب مى‌آمد که از گرفتار شدن به آن پرهيز داشت.

خوانندگان لابد به این نکته از تعلیم و تربیت واقفند که معلمان مقید به برنامه و کتاب از پیش تعیین شده خیلی خوب می‌توانند محصلان را برای توفیق در امتحان‌های استاندارد آماده سازند. اما معلمانی که توانایی بحث در هر زمینه‌ای را دارند و محصلان را در معرض اطلاعات جدید و گوناگون قرار می‌دهند، می‌توانند استعدادها را خیلی خوب بارور سازند. گمان می‌کنم در یکی از پانوشته‌های ترجمه کتاب ریاضیدانان نامی (ترجمه حسن صفاری) خوانده باشم که بنا بر آمارهای فراهم آمده از سوی یونسکو، بیشتر افراد نابغه و نامداران جهان دانش، محضر درس استادانی را گذرانده‌اند که دارای اطلاعاتی گسترده در همه زمینه‌ها بوده‌اند.

پس از آن که امتیاز مجله یکان را گرفتم، به خاطر مشکلاتی که هنوز برای انتشار مجله سدّ راهم بود، از شروع به کار تردید و واهمه داشتم. در این میان، بیش از همه تشویق‌های دکتر هشترودی بود که به من جرئت بخشید تا مشکلات را نادیده بگیرم و مجله را منتشر کنم. از آن زمان تا آخرین ماه‌های حیات دکتر هشترودی، غالباً به حضورش می‌رفتم و با او ملاقات‌های مکرر داشتم.

در جلسه‌های متعددی هم حضور داشته‌ام که بحث و جدال‌ش را با دیگران یا سخنرانی‌هایش را گوش داده‌ام. از این رو شاید حق داشته باشم که شمه‌ای از سبب‌هایش را، چنان که استنباط کرده و دریافته‌ام، به صورت خلاصه و فهرست‌وار بیان کنم.

دکتر هشترودی فردی به تمام معنا دانش‌دوست و دانش‌پرور بود. هر کس را که به هر ترتیب در ترویج علم قصد کوشش داشت تشویق و راهنمایی می‌کرد و در این راه از هیچ‌گونه کمک مضایقه نمی‌کرد. کمک‌هایش هم بی‌دریغ و بدون هیچ توقع بود.

همکاری با مطبوعات را به‌سادگی می‌پذیرفت و گردانندگان آنها را تشویق می‌کرد تا چند صفحه را به مقاله‌های علمی اختصاص دهند. چنان که در مصاحبه‌ای با مجله دانشمند اشاره کرده‌ام، تصادفی دریافتم که بخش مسئله‌های ریاضی مجله راهنمای زندگی را در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ او تنظیم می‌کرده است.

دکتر هشترودی دانشمندان و علاقه‌مندان به دانش را با هر کسوتی و هر مسلکی که داشتند گرامی می‌داشت. یادم هست در جلسه‌ای در منزلش که صحبت از بهترین کتاب سال بود، از تألیف ارزنده یکی از روحانیان معاصر یاد می‌کرد و این شخصیت را تکریم و تجلیل می‌کرد.

دکتر هشترودی کتاب زیاد می‌خواند و هر کتاب را، چه علمی و چه غیر آن، خیلی سریع می‌خواند. از کشورهای مختلف انواع کتاب‌ها و مجله‌ها برایش می‌رسید.

یک روز که نزدش رفتم کتابی در دست داشت که گفت از ژاپن برایش رسیده است و موضوع آن بحث و تجزیه و تحلیل مسئله‌ای است که وی در کنفرانس ریاضی مسکو طرح کرده است. می‌گفت ریاضیدانی ژاپنی که در آن کنفرانس شرکت داشته تحقیق در آن مسئله را موضوع رساله دکترای یک دانشجو قرار داده و این رساله اینک با مقدمه‌ای از آن استاد به صورت کتاب چاپ شده است.

دکتر هشترودی با اعتماد به هوش و حافظه خود لزومی نمی‌دید که کتاب را بیش از یک بار بخواند و گویا هر چندگاه یک بار مجموعه کتاب‌هایش را به کتابخانه دانشگاه منتقل می‌کرد.

دکتر هشترودی در کلاس‌هایی که تدریس می‌کرد دانشجویان با استعداد را خیلی زود تشخیص می‌داد و بعد آنها را تشویق می‌کرد که به تحصیلات خود ادامه دهند و در این راه به آنها کمک می‌کرد. برای آنها بورس تحصیلی می‌گرفت. حتی شرکت‌های خصوصی را وامی‌داشت تا از بودجه تبلیغاتی خود بورس‌های تحصیلی در اختیار دانشگاه‌ها قرار دهند.

در یک روز عید که به همراه یکی از دوستان به دیدنش رفته بودیم به هنگام خداحافظی چنان که معمولش بود تا دم در حیاط ما را مشایعت کرد و در آنجا به آن دوست یادآوری کرد که دختر وی استعداد درخشان دارد و حیف است که از ادامه تحصیل بازماند.

دختر آن دوست در مؤسسه آمار تحصیل می‌کرد و هفته‌ای یک جلسه با دکتر هشترودی درس داشت. باید یادآوری کنم که این دختر خانم تحصیلاتش را تا اخذ دکترا ادامه داد و هنوز دوره دکترا را می‌گذراند که شرکت معروف بل با او قرارداد استخدام بست و امروزه با استفاده از بهترین مزایا در آن شرکت به کار تحقیق و عرضه طرح‌های جدید مشغول است.

دکتر هشترودی خودش را عضوی از جامعه معلمان می‌دانست. در تأسیس «جامعه معلمان ایران» سهم مؤثر داشت و مدتی هم ریاست آن را عهده‌دار بوده است.

دعوت به شرکت در هر گردهمایی معلمان را با اشتیاق می‌پذیرفت، برای آنان صحبت می‌کرد و با علاقه به صحبت‌ها و درد دل‌هایشان گوش می‌داد. در این مورد بارها من واسطه دعوت بوده‌ام.

یک مورد که بیشتر به خاطرمانده این است: در تابستان یک سال سمیناری از دبیران ریاضی شهرستان‌ها برگزار شده بود. در آخرین شب که جلسه تودیع بود آنان اظهار علاقه کردند که دکتر هشترودی را در جمع خود ببینند. من مأمور دعوت از استاد شدم. وقتی به منزلش رسیدم به اتفاق خانواده عازم یک میهمانی بودم. ترجیح داد که میهمانی را به عقب بیندازد و به جمع دبیران ریاضی بیاید. آمد و برای معلمان صحبت کرد. پس از صحبت هم مدت‌ها آنان به دورش حلقه زده بودند و هر کس موضوعی را مطرح می‌کرد در حالی که خانواده‌اش در بیرون تالار در انتظار او بودند.

دکتر هشترودی به دانشجویان و جوانان عشق می‌ورزید. در سخنرانی‌هایش غالباً موضوع را به اینجا می‌کشاند که جوانانند که آینده را می‌سازند و پیران باید عرصه را برای آنان آماده کنند و در این موقع بود که متأثر می‌شد و ناخواسته اشکش جاری می‌گردید. بارها اعلام داشته بود که آرزو دارد پس از مرگ در جایی دفن شود که گذرگاه دانشجویان باشد تا آنان در آمد و رفت به کلاس درس گام بر گورش نهند. وقتی در عبور از راهروهای دانشگاه، یا پس از پایان یک کنفرانس، دانشجویان به دورش حلقه می‌زدند و هر کدام پرسشی را مطرح می‌کردند، گویی گذشت زمان را احساس نمی‌کرد. گاه می‌شد که این گردهمایی کوچک بیش از مدت یک جلسه رسمی درس طول می‌کشید.

دکتر هشترودی، صرف نظر از مقام علمی‌اش از نظر خصلت‌های والای انسانی نیز شخصیتی کاملاً ممتاز بود. برای اختصار، تنها به چند مورد اشاره می‌کنم:

رفتارش بزرگ‌منشانه همراه با فروتنی بود. اهل کرنش و تعظیم به صاحبان زور و زر نبود. در برابر آنها

سرفراز می‌ایستاد و اگر حرکتی از آنان می‌دید که نشانی از بی‌احترامی بود واکنش فوری نشان می‌داد. ماجرای برخورد او با اشرف پهلوی در یکی از سفارت‌ها نمونه‌ای از این موارد است: سفیر یکی از کشورها در ایران (گویا سفیر سوئیس) به فلسفه علاقه‌مند بود و در محل سفارت برای بحث‌های فلسفی جلسه‌هایی برگزار می‌کرد. در یکی از این جلسه‌ها که اشرف پهلوی نیز حضور داشت دکتر هشترودی به هنگام سخنرانی چیزی از اشرف می‌شنود که ناخوشایندش می‌شود، پس در همان حال مطلبی بیان می‌کند بدین مضمون که «گمان می‌کنم حضور شاهزاده‌خانم‌ها در این جلسه غلط‌انداز روی داده باشد. بحث‌های اینجا قابل فهمشان نیست و نمی‌تواند باب طبعشان باشد». کینه‌ورزی‌های اشرف نسبت به دکتر هشترودی بیشتر ناشی از این برخورد بوده است.

حقوق دیگران را، اعم از مادی و معنوی، چنان رعایت می‌کرد که برای همه سرمشق بود؛ اگر دانشجویی، یا کسی، یک راه حل جدید، یک مسئله یا یک روش تازه در زمینه‌ای علمی به او عرضه می‌کرد، هرگاه و در هر مورد که آن مسئله یا آن روش را بازگو می‌کرد عرضه‌کننده آن را نیز نام می‌برد و او را می‌ستود. ناشرانی با پیشنهادهای خوب به او مراجعه کرده و خواسته بودند تا مسئله‌هایی را که در مجله یکان از او چاپ می‌شود به صورت کتاب چاپ کنند، هر بار جواب داده بود که تصمیم با مدیر مجله است.

اطلاع از این که دانشمندی اثرهای پیشینیان را به نام خودش و بدون ذکر نام صاحب اصلی اثر عرضه کرده است برایش بسیار ناگوار بود؛ یک روز که نزدش رفتم ناراحت دیدمش و از خواجه نصیر طوسی بد می‌گفت. تعجب کردم. توضیح داد که به مناسبت جشنواره‌ای که به یادبود خواجه نصیر در شوروی برگزار می‌شده شرحی درباره کارهایی که خواجه نصیر در زمینه هندسه و به ویژه درباره اصل ترازوی انجام داده نوشته و فرستاده که به صورت یک کتاب چاپ شده است. سپس ادامه داد که اکنون رونوشتی از اثر تازه کشف شده‌ای از خیام برایش رسیده و معلومش شده است که همه آن کارهای خواجه نصیر اقتباس از کارهای خیام بوده است بدون آن که به این موضوع اشاره کند. در دنباله توضیح خود اضافه کرد که به ناشر کتابش نامه‌ای نوشته و ضمن آن که همه حرف‌هایش را درباره خواجه نصیر پس گرفته خواسته است تا نسخه‌های چاپ شده کتابش جمع‌آوری شوند و از تجدید چاپ آن خودداری شود.

از دیگر موردهایی که حساسیت بروز می‌داد و تند می‌شد و بد و بی‌راه می‌گفت، وقتی بود که احساس می‌کرد طرف صحبتش در پی تحمیق اوست و قصد سوءاستفاده از موقعیت او را دارد. مورد دیگر وقتی بود که از شخصیت‌هایی گفتارها یا کردارهای تملق‌آمیز و چاپلوسانه نسبت به مقام‌های حکومتی مشاهده می‌کرد. دکتر هشترودی فردی آزادمنش و آزاداندیش بود. پیروی از یک مکتب یا وابستگی به یک فرقه و یک گروه، با منش و اندیشه او سازگاری نداشت. با حکومت فردی مخالف بود و این مخالفت را علناً و اغلب به صورت طنز اظهار می‌کرد؛ در گفتارها و سخنرانی‌هایش بی‌پروا پادشاهان را درازدست و درازگوش عنوان می‌کرد. از کارهای سیاسی، خود را کنار می‌کشید اما آنگاه که دانشجویانی را به اتهام‌های سیاسی به بند می‌کشیدند در آزاد ساختن آنها احساس مسئولیت می‌کرد و ساکت و بی‌کار نمی‌نشست.

در فلسفه ریاضی، خود را از شهودیان می‌دانست و بر این باور بود که دانشمندان غالباً به گونه‌ای

غیرمترقبه و الهام‌آمیز به نکته‌های حساس علمی وقوف می‌یابند.

دکتر هشتروندی در نوشته‌های فلسفی خود بذر آزاداندیشی پاشانده و به آدمیان این پیام را داده است که باید اندیشه خود را از تارهایی که در طول هزاره‌ها و سده‌ها به دور آن تنیده‌اند آزاد سازند. پیامش را بشنویم و یادش را گرامی بداریم.

تهران، مهر ۱۳۷۰



برگزاری همایش کوشیار گیلانی به مناسبت هزار و پنجاهمین سالگرد تولد این منجم و ریاضیدان ایرانی

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در نظر دارد همایش کوشیار گیلانی را به مناسبت هزار و پنجاهمین سالگرد تولد این منجم و ریاضیدان ایرانی در روز دوشنبه ۵ اسفند ۱۳۹۲/۲۴ فوریه ۲۰۱۴ برگزار کند. محورهای این همایش شامل آثار و دستاوردهای علمی کوشیار و ریاضیات و نجوم در عصر کوشیار است. به همین مناسبت، چاپ نسخه برگردان اصول حساب هندی، نسخه مبنی و ترجمه فارسی کهن رساله اسطرلاب، نسخه تاشکند، اثر کوشیار گیلانی توسط مرکز انجام خواهد شد. علاقمندان می‌توانند اطلاعات بیشتر درباره این همایش را در سایت مرکز پژوهشی میراث مکتوب (www.mirasmaktoob.ir) دریافت کنند.